

کارگاه عملی و تجربه

خب ، تا اینجا یاد گرفتیم که چطور با این جعبه سیاه هوشمند(LLM ها) حرفه‌ای صحبت کنیم، فهمیدیم پرامپتنویسی هنر تعادل بین آزادی و کنترله، و اسکلت حرفه‌ای (...Role, Context) رو شناختیم.

اما...

این حرفها تا وقتی که خودت دست به کیبورد نشی و به قول ابا مدل کشته نگیری، فقط یه مشت اطلاعاته و بحث تئوریه.
پرامپتنویسی هم یکجواریی مثل شنا کردنه؛ با کتاب خوندن یاد نمی‌گیری، باید بیری تو آب!

خب داخل این بخش می‌خوایم ۳ چالش واقعی رو با هم حل کنیم. اول به سبک آماتور (ساده) و بعد به سبک مهندس پرامپت (حرفه‌ای).

۱. قرین‌های عملی: از کلاس درس تا کدنویسی

در اینجا سه سناریوی مختلف (آموزشی، تولید محتوا، فنی) داریم. ببینیم چطور باید آن‌ها را به پرامپت تبدیل کنیم.
چالش اول: معلم هوشمند (موضوع آموزشی)

سناریو: نمی‌خوایم مفهوم پیچیده‌ی «درهم‌تنیدگی کوانتمومی» (Quantum Entanglement) رو برای یه دانش‌آموز دبیرستانی توضیح بدیم، بدون اینکه گیج بشه.

- نگاه ساده (آماتور):

"درهم‌تنیدگی کوانتمومی رو توضیح بده."

(نتیجه احتمالی: یه متن خشک و یکی‌پدیایی پر از اصطلاحات سخت که دانش‌آموز فرار می‌کنه!)

- نگاه حرفه‌ای (مهندسی شده):

Role: Act as an enthusiastic physics teacher. (معلم فیزیک پرشور)

Context: Audience is high school students with basic science knowledge. (مخاطب دبیرستانی)

Instruction: Explain "Quantum Entanglement" using a simple real-world analogy (like dice or shoes), avoiding complex jargon. (توضیح با مثال ملموس، بدون اصطلاحات سخت)

Output Format: 3 short paragraphs.

چالش دوم: تولید محتوا (شبکه‌های اجتماعی)

سناریو: نیاز داریم ۵ تا ایده پست اینستاگرامی جذاب درباره «فواید مدیتیشن» داشته باشیم.

- نگاه ساده (آماتور):

"چند تا ایده پست درباره مدیتیشن بده."

(نتیجه احتمالی: ایده‌های کلیشه‌ای مثل "مدیتیشن خوب است" که لایک نمی‌گیره.)

- نگاه حرفه‌ای (مهندسی شده):

Role: Experienced Social Media Manager. (مدیر با تجربه سوشال مدیا)

Instruction: Generate 5 engaging Instagram post ideas about "Benefits of Meditation". Include a "Hook" (sentence to grab attention) and suggested visual for each. (شامل قلاب جذاب و پیشنهاد تصویر)

Constraints: Tone must be energetic and modern, not boring or spiritual-heavy. (لحن پرانرژی و مدرن)

Output Format: Bulleted list.

چالش سوم: دستیار فنی (کدنویسی)

سناریو: یه کد پایتون می‌خوایم که دو تا عدد رو بگیره و جمع کنه، اما می‌خوایم قبل از کد، منطقش رو یاد بگیریم.

- نگاه ساده (آماتور):

"یه کد پایتون بنویس که جمع کنه."

(نتیجه احتمالی: فقط کد رو میده و تمام. چیزی یاد نمی‌گیری).

- نگاه حرفه‌ای (مهندسی شده):

Role: Senior Python Developer & Mentor. (برنامه‌نویس ارشد و مentor)

Instruction: Write a Python script to take two numbers as input and print their sum.

Process Hint: First, explain the logic step-by-step (algorithm), then provide the code block. (اول منطق رو)

(توضیح بد، بعد کد رو بد)

Output Format: Markdown code block for the script.

۲. هنر آزمون و خطأ (وقتی اولین بار نشد...)

پرامپت‌نویسی مثل نوشتن کد یا حل جدوله؛ خیلی وقت‌ها بار اول درست از آب در نمی‌آید. اگر خروجی بد گرفتی، نامید نشوا! این چرخه‌ی بهبدود رو طی کن:

1. آنالیز کن: کجا خروجی می‌لینگه؟
 - خیلی طولانیه؟ (حدودیت کلمات بذار)
 - خیلی پرت و پلاست؟ (Context یا زمینه رو دقیق‌تر کن)
 - لحنش خشکه؟ (Role رو عوض کن به "دست صمیمی" یا "طنزپرداز")
2. تنظیم کن: (Tweak) یک متغیر رو عوض کن. (مثلاً فقط دما (Temperature) رو کم کن یا یک مثال (Example) به پرامپت اضافه کن).
3. تکرار کن: دوباره پرامپت رو اجرا کن.

نکته طلایی: هیچ وقت انتظار نداشته باش پرامپت اول "عالی" باشه. پرامپت خوب، حاصلِ "ویرایش کردن" پرامپت بد هست.

۳. استراتژی ذخیره و مقایسه (ساختن آزمایشگاه شخصی)

یعنی چی؟ یعنی وقتی داری یک کار انجام می‌دهی و مدام پرامپت می‌نویسی، بهتر است آن‌ها را ذخیره کنی. چرا؟ چون این‌طوری می‌فهمی که مثلاً فلان پرامپت را نوشتی و نتیجه‌ی خوبی گرفتی، پس دفعه‌ی بعد می‌توانی همان ساختار را دوباره استفاده کنی و فقط متن یا جزئیاتش را تغییر بدھی.

شاید با خودت بگویی: «ای بابا چکاریه، کی حوصله داره همه‌ی پرامپت‌ها رو ذخیره کنه؟» اما باور کن اگر پرامپت‌های خوبت را نگه نداری، دفعه‌ی بعد مجبور می‌شوی دوباره از صفر شروع کنی. درست مثل اون مثال معروف که میگه: «چرخ را دوباره اختراع نکن.»

روش پیشنهادی که برای مستندسازی من چند جا دیدم:

یه فایل متنی ساده (Notepad) یا اکسل درست کن و یه جدول مثل این توش داشته باش:

نام پرامپت	نسخه	متن پرامپت	کیفیت خروجی	نکته برای بهبود
V1	داستان گربه	یه داستان درباره گربه...	بد/کلی	خیلی کلی بود
V2	داستان گربه	(با نقش و کانتکست اضافه شده)	خوب	پایانش جذاب نبود
V3	داستان گربه	(اضافه کردن قید: پایان شوکه‌کننده)	عالی	این نسخه نهایی شد

چرا این کار مهمه؟

به مرور زمان تو صاحب یه "کتابخانه پرامپت" (Prompt Library) شخصی میشی. دفعه بعد که خواستی یه داستان بنویسی یا کد بزنی، به جای شروع از صفر، میری سراغ نسخه V3 که قبلاً جواب داده و فقط موضوعش رو عوض می‌کنی. این یعنی صرفه‌جویی محض در زمان!

و در آخر:

پرامپت خوب مثل یک دستور آشپزیه؛ اگر دستورهای موفق رو نکه داری، هر بار می‌تونی سریع‌تر و خوشنده‌تر آشپزی کنی.